**به نام خداوند جان و خرد**

 **صلح و سازش در مثنوی معنوی**

 **دکتر نوازا... فرهادی**

 عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی فارس

no.farhadi@hotmail.com

**چکیده**

 مثنوی جلال­الدین محمد مولوی به عنوان یکی از مهمترین آثاری که ابعاد گوناگونی از عرفانِ بالیده در بستر بسیار مهم فرهنگ ایرانی- اسلامی را در خود جای داده است، توصیه و تأکید فراوانی بر صلح و سازش و پرهیز از خشونت میان اقشار مختلف جامعه و عقیده­مندان مکاتب مختلف دارد.

 سازش و مدارایی که مولانا بر آن تأکید دارد، با توجه به سیر منازعات فرقه­ای و عقیدتی در طول تاریخ، یکی از ضروریات همزیستی مسالمت­آمیز در جهان امروز و امری فرامکانی و فرازمانی است؛ با افزایش تدریجی جمعیت جهان و گسترش علوم و اطلاعات، به­ویژه گونه­گونی روزافزون خوانش­ها از ادیان و مذاهب، این نزاع­ها می­تواند به مرحلة انفجار و غیر قابل کنترل بینجامد؛ از این رو توجه به موضوع مورد بحث با گذشت زمان اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می­کند.

 در نوشتة پیش رو کوشش بر آن است تا پس از اشاره به منشأ شکل­گیری چنین باورهایی در مولوی، انواع و مراتب تسامح با دگراندیشان و دلایل بروز خشونت و نزاع و ارائة راهکارهای مولانا برای برقراری آشتی(علی­رغم تنوع فرهنگ­ها و تعدد گرایش­ها) بررسی گردد؛ به این منظور علاوه بر بازنمایی بیانات مستقیم مولانا در این زمینه، اشارات غیر مستقیم و حکایات تمثیلی مربوط به موضوع مورد بحث، رمزگشایی و تفسیر می­شود و سرانجام به تأثیر این تفکر در سعادت و سرنوشت انسان معاصر اشاره می­گردد.

کلیدواژه: صلح و سازش، عرفان، مثنوی، مدارا، مولوی.